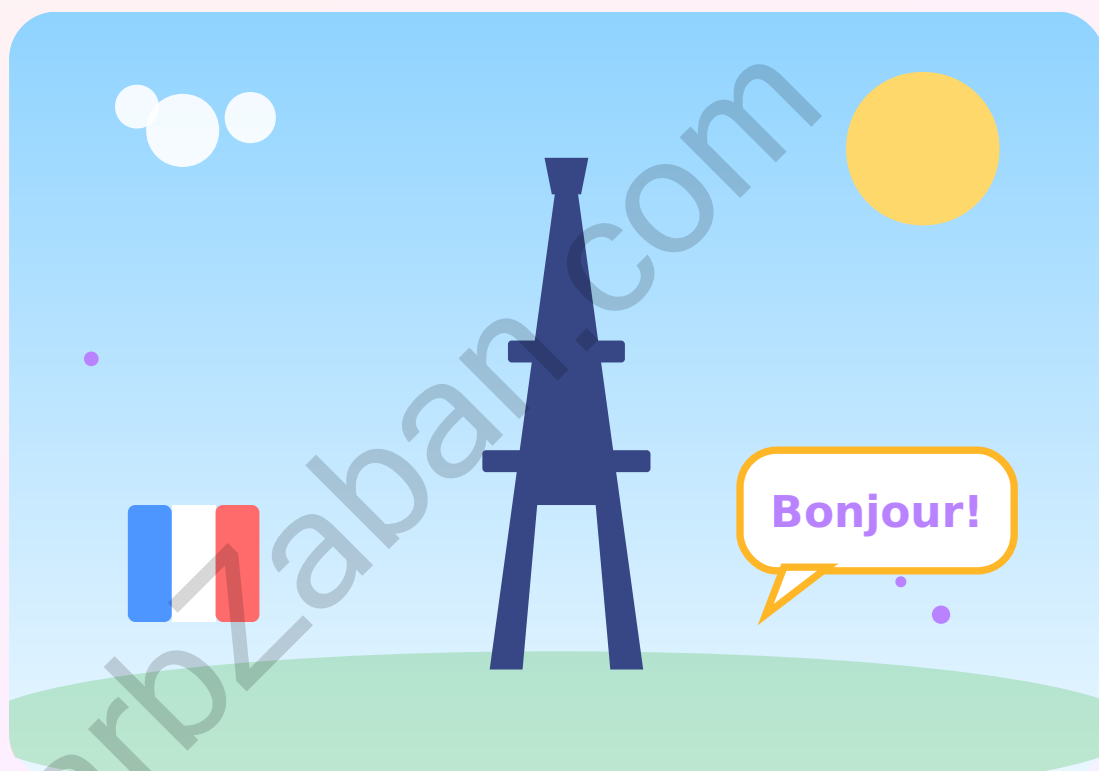


فلش کارتهای آموزشی

افعال رایج و مهم زبان فرانسه

به همراه ترجمه فارسی و مثال کاربردی برای هر فعل



تهیه شده توسط

چرب زبان | CharbZaban.com

01

être

تلفظ: اِتر

بودن

« Il est très gentil. »

او خیلی مهربان است.

02

avoir

تلفظ: آؤوار

داشتن

« J'ai un chat. »

من یک گربه دارم.

03

faire

تلفظ: فِر

انجام دادن، ساختن

« Je fais mes devoirs. »

من تکالیفم را انجام می‌دهم.

04

aller

تلفظ: آله

رفتن

« Nous allons à l'école. »

ما به مدرسه می‌رویم.

05

dire

تلفظ: دیر

گفتن

« Il dit la vérité. »

او حقیقت را می‌گوید.

06

voir

تلفظ: ووار

دیدن

« Je vois la mer. »

من دریا را می‌بینم.

07

savoir

تلفظ: ساووار

دانستن، بلد بودن

« Je sais nager. »

من شنا کردن بلدم.

08

pouvoir

تلفظ: پووار

توانستن

« Tu peux venir demain. »

تو می‌توانی فردا بیایی.

09

vouloir

تلفظ: وولوار

خواستن

« Elle veut un café. »

او یک قهوه می‌خواهد.

10

venir

تلفظ: وونیر

آمدن

« Ils viennent chez moi. »

آنها به خانه‌ی من می‌آیند.

11

devoir

تلفظ: دووار

باید، مدیون بودن

« Je dois partir maintenant. »

من باید همین حالا بروم.

12

prendre

تلفظ: پراندر

گرفتن

« Elle prend le bus. »

او با اتوبوس می‌رود.

13

trouver

تلفظ: ترووووه

پیدا کردن

« J'ai trouvé mes clés. »

کلیدهایم را پیدا کردم.

14

donner

تلفظ: دونه

دادن

« Il donne un cadeau à sa mère. »

او به مادرش هدیه می‌دهد.

15

parler

تلفظ: پارله

صحبت کردن

« Nous parlons français. »

ما فرانسه صحبت می‌کنیم.

16

aimer

تلفظ: ایمه

دوست داشتن

« J'aime le chocolat. »

من شکلات را دوست دارم.

17

گذشتن، گذراندن

passer

تلفظ: پاسه

« Le temps passe vite. »

زمان سریع می‌گذرد.

18

گذاشتن

mettre

تلفظ: میتر

« Elle met la table. »

او میز را می‌چیند.

19

پرسیدن، درخواست کردن

demander

تلفظ: دومانده

« Je demande son avis. »

من نظرش را می‌پرسم.

20

نگه داشتن

tenir

تلفظ: تونیر

« Il tient la main de son fils. »

او دست پسرش را گرفته است.

21

گذاشتن، اجازه دادن

laisser

تلفظ: لسه

« Laisse-moi tranquille. »

مرا تنها بگذار.

22

ماندن

rester

تلفظ: رسته

« Nous restons à la maison. »

ما در خانه می‌مانیم.

23

فکر کردن

penser

تلفظ: پانسه

« Je pense à toi. »

من به تو فکر می‌کنم.

24

شنیدن

entendre

تلفظ: آنتاندر

« J'entends de la musique. »

صدای موسیقی می‌شنوم.

25

رسیدن

arriver

تلفظ: آریوه

« Le train arrive à midi. »

قطار ظهر می‌رسد.

26

بیرون رفتن

sortir

تلفظ: سورتیر

« Je sors avec mes amis. »

من با دوستانم بیرون می‌روم.

27

وارد شدن

entrer

تلفظ: آنتره

« Elle entre dans la salle. »

او وارد اتاق می‌شود.

28

فهمیدن

comprendre

تلفظ: کومپراندر

« Je ne comprends pas. »

من نمی‌فهمم.

29

connaître

تلفظ: کوئتر

شناختن

« Je connais cette ville. »

من این شهر را می‌شناسم.

30

croire

تلفظ: کروار

باور کردن

« Je crois en toi. »

من به تو باور دارم.

31

écrire

تلفظ: اِکْرِیر

نوشتن

« Il écrit une lettre. »

او یک نامه می‌نویسد.

32

vivre

تلفظ: وِیور

زندگی کردن

« Ils vivent à Paris. »

آنها در پاریس زندگی می‌کنند.

33

رفتن، ترک کردن

partir

تلفظ: پارتیر

« Nous partons demain. »

ما فردا می‌رویم.

34

احساس کردن، بو کردن

sentir

تلفظ: سانتیر

« Je sens le parfum des fleurs. »

بوی عطر گل‌ها را احساس می‌کنم.

35

صدا کردن، زنگ زدن

appeler

تلفظ: آپله

« Je t'appelle ce soir. »

امشب بهت زنگ می‌زنم.

36

نوشیدن

boire

تلفظ: بوآر

« Elle boit de l'eau. »

او آب می‌نوشد.

37

خوردن

manger

تلفظ: مانژ

« Nous mangeons du pain. »

ما نان می‌خوریم.

38

خوابیدن

dormir

تلفظ: دورمیر

« Le bébé dort. »

نوزاد خوابیده است.

39

دویدن

courir

تلفظ: کوریر

« Il court tous les matins. »

او هر روز صبح می‌دود.

40

باز کردن

ouvrir

تلفظ: اووریر

« Ouvre la porte, s'il te plaît. »

لطفاً در را باز کن.

41

attendre

تلفظ: آتندر

منتظر ماندن

« J'attends le bus. »

من منتظر اتوبوس هستم.

42

répondre

تلفظ: ریوندر

پاسخ دادن

« Il répond à la question. »

او به سوال پاسخ می‌دهد.

43

jouer

تلفظ: ژووه

بازی کردن

« Les enfants jouent dans le parc. »

بچه‌ها در پارک بازی می‌کنند.

44

travailler

تلفظ: تراوایه

کار کردن

« Je travaille tous les jours. »

من هر روز کار می‌کنم.

45

جستجو کردن

chercher

تلفظ: شرشه

« Je cherche mes lunettes. »

دنبال عینکم می‌گردم.

46

گوش دادن

écouter

تلفظ: اِکوته

« Elle écoute de la musique. »

او به موسیقی گوش می‌دهد.

47

نگاه کردن، تماشا کردن

regarder

تلفظ: روگارده

« Nous regardons un film. »

ما داریم فیلم تماشا می‌کنیم.

48

خواندن

lire

تلفظ: لیر

« Je lis un livre. »

من یک کتاب می‌خوانم.

49

یاد گرفتن

apprendre

تلفظ: آپراندِر

« J'apprends le français. »

من دارم فرانسه یاد می‌گیرم.

50

شروع کردن

commencer

تلفظ: کومانسه

« Le cours commence à huit heures. »

کلاس ساعت هشت شروع می‌شود.

51

تمام کردن

finir

تلفظ: فینیر

« J'ai fini mon travail. »

کارم را تمام کردم.

52

انتخاب کردن

choisir

تلفظ: شوآزیر

« Elle choisit une robe rouge. »

او یک لباس قرمز انتخاب می‌کند.

53

acheter

تلفظ: آشته

خریدن

« Je veux acheter une voiture. »

می‌خواهم یک ماشین بخرم.

54

vendre

تلفظ: واندر

فروختن

« Il vend sa maison. »

او خانه‌اش را می‌فروشد.

55

aider

تلفظ: اده

کمک کردن

« Peux-tu m'aider ? »

می‌توانی به من کمک کنی؟

56

montrer

تلفظ: مونتره

نشان دادن

« Montre-moi la photo. »

عکس را به من نشان بده.

57

فرستادن

envoyer

تلفظ: آنوایه

« J'envoie un message. »

من یک پیام می‌فرستم.

58

فراموش کردن

oublier

تلفظ: اولیه

« N'oublie pas ton sac. »

کیفت را فراموش نکن.

59

تغییر کردن

changer

تلفظ: شانژه

« Tout va changer. »

همه چیز تغییر خواهد کرد.

60

سفر کردن

voyager

تلفظ: وویاژه

« J'aime voyager en été. »

من دوست دارم تابستان‌ها سفر کنم.